



محمد قنبری متولد سال ۶۱است و به قول خودش تحصیلاتش مر تبط باعلوم انسانی نبوده‌اما مدت زیادی است که در حوزه قصه و رمان نویسی فعالیت می‌کند و قلم می‌زند که حاصل آن آثاری مثل «مه‌شکن»، «بهنام»، «از پمبا تا ماریانا» و «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» است. «جوان» در گفت‌وگو با این نویسنده که این روزها در زمینه تحلیلیگری حوزه رسانه و فضای مجازی هم فعالیت می‌کند به چند و چون و انگیزه نوشتن دو تازر پر مخاطب تر ین آثارش یعنی کتاب‌های «از پمبا تا ماریانا» و «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» پرداخته‌است. ■ ■ ■

برخی از نویسندگان کشورمان که از نظر محتوایی آثاری شبیه کتاب «از پمبا تا ماریانا» (قصه‌هایی مربوط به ماوراءالطبیعه و پرداختن به موجوداتی مثل جن و پری) نوشته‌اند برای معرفی اثرشان تعبیری همچون **فانتزی** و **سوررئال** را استخدام می‌کنند، مخاطب کتاب شما باید خودش را مهیای چه فضایی بکند؟

من سعی کردم آنچه در این کتاب می‌آورم را در قالب یک داستان امنیتی و روایتی که عمدتاً بر مدار تخیل استوار شده‌است، واقعیتی را از زندگی‌های امروزی طیف‌های مختلف جامعه‌مان ترسیم و تصویر کنم. یک بخش زیادی از این اتفاقات به مردم خودمان برمی‌گردد که به غلط برای راهی از مشکلات زندگی در گیر موکل گیرها و رمال‌ها و جن‌گیرها و قدرت‌های شیطانی شده‌اند. این رفتار تا حدودی شبیه رویکرد بنی اسرائیل به بحث سحر و جادوست که خداوند متعال در آیه ۱۰۲ سوره بقره می‌فرماید که من سحر را از دست بندگان جمع کردم اما بخشی از تعلیمات هاروت و ماروت را یهودیان به سرقت بردند و بعدها با سوءاستفاده از آنها بین زنان و مردان(همسرها) سردی و جدایی‌انداختند. من نگاهی که به این داستان داشتم و خواستم بخشی از آن را در قالب رمان، قصه و سناریو به تفصیل روایت کنم. حتماً قبول دارید که امروزه جنگ، جنگ روایت‌ها و قدرت روایتگری است. من هم برای بیان این فضا و به واسطه آیات ابتدایی

سوره بقره که می‌فرماید:«الذین یؤمنون بالغیب» که این ایمان به غیب یکی از نشانه‌های متدین محسوب می‌شود و البته با استناد به برخی آیات و روایات دیگر خواستم در قالب یک قصه به آنها اشاره کنم. البته دلیل مهم دیگری هم برای نوشتن این کتاب داشتم و آن ایمان نوروزی مقام معظم رهبری بود که در انتهای آن ایشان با صراحت به وجود دشمنانی از جن و انس نسبت به خودمان اشاره کردند. از آنجایی که کار اصلی من تحلیل در حوزه فیلم و سریال و رسانه است، می‌دیدم که چندسالی است هالیوود و سازمان امنیتی میل پیدا کرده‌اند که قدرت‌های غیبی و فرا انسانی را در آثار و فیلم‌هایشان نشان بدهند و این قدرت را که ریشه در تعلیم اسلامی و به خصوص مذهب تشیع دارد علیه مسلمانان و شیعیان به کار گرفته‌اند. برای همین می‌خواستم نوشتن این کتاب به این مؤلفه مهم الهی که می‌تواند مددکار و گره‌گشا باشد اشاره‌ای کرده باشم. چه اینکه این ایمان به غیب است که افرادی نظیر حاج‌قاسم سلیمانی را می‌سازد که با تمام محاسبات انسانی که وجود دارد به برخی صحنه‌های نبرد مثل نبل و الزهرا که در محاصره کامل افتاده و هیچ امکانی برای حفظ آنجا وجود ندارد، ورود می‌کند و با اتکالی ایمان به قدرت الهی و امدادهای غیبی و البته زرمندان باورمند و با ایمان آنجا را از آن می‌کنند. این ایمان به غیب و امداد الهی است که می‌تواند محاسبات روی کاغذ را در صحنه واقعی به نفع یومنون بالغیب و یوقیهمون الصلاب برگرداند.

**چیزی شبیه توصیه‌های قاسم معظم رهبری به نیروهای حوزبباله لبنان برای مبارزه با خاوند داعی جوشن صغیر در هنگام نبرد با نیر وهای اسرائیلی.**

بله، دقیقاً

**سبک و روایتی شما در این کتاب چگونه است؟ و برای عمق بخشی به مستندات و بالا بردن کیفیت روایتی کتاب «از پمبا تا ماریانا» و**

**قصه‌اش از چه منابعی استفاده کردید؟**
حدود ۱۲ تا ۱۰ کتاب رمان و غیره نوشتم ولی برای هیچ کدام از آنها به اندازه کتاب «از پمبا تا ماریانا» وقت نگذاشتم و پژوهش انجام ندادم. پژوهش‌هایی که برای این کتاب انجام شد حداقل سه یا چهار ماه به طول انجامید و برای بالا بردن کیفیت مستندات روایتی را دیدم؛ هم تصوری، هم مکتوبات و هم کتاب‌هایی را که دوستان دیگری آنها را نوشته‌اند، خواندم و از آنها برای مستندتر شدن کتاب استفاده کردم. من حتی تفاسیر ای‌تاله جوادی‌املی را در مورد قدرت‌های غیبی و انرژی‌های ماورایی که در تفاسیر ایشان درباره سوره جن وجود دارد و فی‌صل از کتاب را هم به آن اختصاص داده‌ام، استفاده کردم. من حتی برنامه «زندگی پس از زندگی» که ماه مبارک رمضان امسال که شبکه چهار سیما بخش شد و در آن با کسانی که مردم را تجربه کرده‌اند و در رابطه با مشاهدات تجربیاتشان در ایامی که اصطلاحاً در حالت کما به سر برده‌اند یا آنها صحبت می‌کرده، استفاده کردم. همچنین از کتاب «انسوی مرگ» که از سوی نشر معارف چاپ شده و در آن تجربیات زندگی پس از مرگ و عوالمی که روح آن چند نفر به آنجا برده شده و همچنین موجودات مختلف و عجیب و غریبی را که در آنجا دیده‌اند، روایت می‌کند برای نوشتن کتابم از آن استفاده کردم. حتی طی سفری به مشهد پیش آقای سرایانی معروف به شهید زنده رفته‌م که در دهه ۶۰ و ایام دفاع مقدس گمان می‌کردند شهید شده‌است اما بعداً متوجه می‌شوند که زنده‌است. این بنده خدا ۲۵ روز تجربه حضور در آن عوالم را داشته‌اند و من با ایشان صحبت کردم. یکسری فیلم مستند دیدم و نهایتاً این مجموعه پژوهش‌ها من را به این نتیجه رساند که داستان را بر اساس آنها پیچتم

**گفت‌وگوی «جوان» با محمد قنبری نویسنده کتاب‌های «از پمبا تا ماریانا» و «پرونده فوق سری ۲۰۴۰»**

# مخاطب رمان‌هایم جوانان نسل زد هستند!

محمد قنبری نویسنده کتاب‌های «از پمبا تا ماریانا» و «پرونده فوق سری ۲۰۴۰»



و برای در اختیار مخاطب قرار دادن همه این دریافت‌ها از تکنیک‌های نویسندگی استفاده کردم. کشمکش‌ها را وارد داستان کردم، روایت‌گویی‌ها را آوردم و تا آنجایی که توانستم متناسب با قصه‌فضاسازی‌های متنوعی را طراحی و ایجاد کردم. گمان می‌کنم آن چیزی که به دنبالش بودم از دل کار بیرون آمد. حتی برای محکم‌کاری در مورد ارجاعات و استنادات دینی کار هم از دوستان انتشارات شهید کاظمی در خواست کردم تا نظر فضا و علمای حوزه را هم بگیرند و اگر جایی این مستندات و ارجاعات اشتباه بوده است، آنها را تذکر بدهند تا اصلاح‌کنم که به‌حمدالله هم وزارت ارشاد و هم فضایی محترم حوزه علمیه آنها را تأیید کردند. نکته جالب این است که بیشترین بازخورد که در طول مدت یک ماهی که از چاپ کتاب گذشته، عمدتاً مربوط به خانم‌هایی بوده که از طرق مختلف برای بهتر کردن اوضاع زندگی‌شان و حتی حفظ آن به سراغ رمال ، جن‌گیر و دعانویس‌ها رفته‌اند.

**بستر اصلی و موتور پیش‌برنده اتفاقات در کتاب «از پمبا تا ماریانا» بر مبنای یک قصه امنیتی و افراد امنیتی و اطلاعاتی حرکت می‌کند. از طریقی هم کدهایی که در جاهای مختلف قصه به مخاطب داده می‌شوند نکات حرف‌های است آیا این افراد و قصه‌ها غیرانتزاعی است و بر مبنای پژوهش طراحی و ساخته شده‌اند یا اینکه انتزاعی هستند و زاینده ذهن و تخیل نویسنده؟**

این بخش را صرفاً ناظر بر فرمایشات مقام معظم رهبری برجسته کردم. امروزه برخی از کسانی که در حال ورود به سیستم‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور هستند، متولدین سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ هستند یعنی جوان‌هایی که درک میدانی از دوران رخ دادن فتنه سال ۸۸ ندارند به نوعی به بچه‌های نسل زد(Z) معروف هستند؛ یعنی بچه‌هایی که در عصر فضای مجازی، ارتباطات و ابزار به دنیا آمده‌اند. من وقتی فیلم جوخه‌انحار هالیوود را می‌دیدم که نشان می‌داد آنها یک جن را وارد فضای نگهداری اسناد وزارت دفاع ایران می‌کنند و اسنادی که حدود ۴۰سال بود به دنبالش می‌گشتند و روی آن هم نوشته شده «پرونده فوق سری» را ظرف چند ثانیه می‌آورد و روی میز پنتاگون می‌گازد!ا خب من با خودم گفتم نکند این فیلم را یک جوان ایرانی ببیند و به دلش خالی شود و بگوید وقتی اینها برای مقابله با ما در حال استفاده و به خدمت گرفتن نیروهای ماورایی مثل جن‌ها و انرژی‌های شیطانی هستند پس چطور می‌شود با آنها مبارزه کنیم؟! خواستم یکجوری آن بخش از آیه‌الکرسی را که خداوند می‌فرماید:«لله ولی‌الذین امنوا یخترجهم من الظلمات الی النور» را به صورت تلویحی برجسته کنم که خدا سرپرست اهل ایمان است و آنها را از تاریکی و ظلمات به سمت نور خارج و هدایت می‌کند لذا هیچ موقع این فضا را برای سرویس‌های امنیتی دشمنان اسلام و مسلمانم فراهم نمی‌کند که بتوانند با به کار گرفتن آنها بساط اسلام را جمع کنند (که البته این هم شرایطی دارد و اصطلاحاً خداوند چک سفید امضا به هیچ کسی نداده است).

**بنا بر توضیحات شما قصه امنیتی کتاب صرفاً زاینده ذهن و قلم نویسنده است!**

**یکسری خرده‌روایت و داستاتک‌هایی مثل قصه زندگی سحر که پرستار بیمارستان است، در کتاب وجود دارد و به برخی مشکلات و مصائبی که به واسطه مراجعه به افراد رمال و دعانویس در زندگی‌شان ایجاد شده است، طرح کرده‌اید. اینها هم جزو تراوشات ذهنی**

**نویسنده است یا اتفاقات واقعی هستند؟**

متأسفانه آن بخش از قصه کتاب که به برخی اتفاقات زندگی شخصی سحر و ماجراهایی که خواهر شوهرش برایش ایجاد می‌کند یا آن کارهایی که آن دختران جوان در خانه کاک بهرام در کرمانشاه انجام می‌دهد، واقعی هستند و من بر اساس داستان‌های حقیقی و واقعی آنها را در کتاب آورده‌ام چون به پیشبرد داستان و آن هدفی که من در ذهن داشتم، کمک می‌کردند.

**در بخش‌هایی از کتاب به برخی نقاط دنیا از جمله جزیره پمبا و بعضی کشورهای آفریقایی مثل کشور زنگبار به عنوان محل تجمع جن‌ها یا گودال ماریانا به عنوان جای پیران اشاره می‌شود. آیا ذکر این اسامی و مکان‌ها انطباقی با واقعیت دارد یا صرفاً پرواز از خیال و قلم شما به عنوان نویسنده کتاب است؟**

یک تحقیقی در مورد قاره آفریقا و مشخصاً زنگبار انجام دادم و مقاله‌ای به قلم شخصی به نام سعید سلیمانی درمورد آن می‌کنم یک مصاحبه مشهوری هم با نیویورک تایمز در این مورد انجام داده است و به موضوعات جالبی اشاره می‌کند که منجر به ساخت فیلم مستندی در همین رابطه هم شد. قدری که جلوتر رفته متوجه شدم که برخی سرویس‌های امنیتی دنیا نسبت به آن حساسیت و نظر ویژه‌ای دارند از جمله یهودیان و امریکایی‌ها خیلی به این بحث‌های ماورایی ورود پیدا کردند که بخشی از این گرایش‌ها را می‌شود در آثار هالیوودی به خوبی ملاحظه کرد. در واقع بعد از بررسی‌های زیاد متوجه شدم که آنها در رابطه با به کارگیری نیروهای ماورایی خیلی جدی وارد شده‌اند. یکی از تازه‌ترین نمونه‌های این مقوله آوردن بزرگ‌ترین آثار زنگبار کشور مغرب به برخی سرویس‌های امنیتی است. رئیس‌جمهور سابق این کشور بود تا مثلاً کرونا بگیرد که اتفاقاً نتیجه کاملاً برعکس از آب درآمد.

**منظور تان همان جلسه‌ای است که تصاویر آن از تلویزیون خودمان هم پخش شد و تعدادی از او انجلیست‌ها (مسیحیان صهیونیست) به دفتر ترامپ در کاخ سفید رفته بودند تا به او انرژی بدهند؟**

بله، همان را عرض می‌کنم که اتفاقاً بخش خیلی ۳۰،۳۰ شبکه دو سیما هم خبرش را پخش کرد. من آخرین فصل از این کتاب را به همین مسئله اختصاص دادم. من وقتی مستندهای واقعی و متعددی را که در مورد پمبا و اتفاقاتی مثل احضار ارواح و جن‌گیری را می‌دیدم تصمیم گرفتم در این کتاب به این بخش از قاره آفریقا و اتفاقات اشاراتی داشته باشم. در مورد گودال ماریانا هم که بزرگ‌ترین درازگودال جهان با ۱۱ کیلومتر عمق است، فیلم‌ها و آثار زیادی ساخته شده‌است که از سوی صهیونیست‌ها و امریکایی‌ها به عنوان مستمسکی برای ارباب دیگر مردم جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد که مهران و ایمان به عنوان شخصیت‌های اصلی قصه به آنجا می‌روند و من هم در بخشی از کتاب به آن پرداخته‌ام.

**شما در کتابتان شخصیت ایمان را به عنوان تجسم اعمال مهران معرفی می‌کنید که او را با حقایق و واقعیاتی مواجه می‌کند. استنباط من این است که بعضی جاها این محمد قنبری نویسنده کتاب است که از زبان ایمان حرف‌هایش را می‌زند. آیا این در ریافت بنده درست است یا نه؟**

دقیقاً خودم هستم که دارم حرف می‌زنم! یعنی اگر شما به دنبال پیدا کردن شخصیت «من راوی» در داستان کتاب «از پمبا تا ماریانا» باشید و آن را به من نسبت

## فرهنگی

بدهید، شما دقیقاً به هدف زدید و ایمان خود من هستم. البته این تکنیک را من از کتاب سیاحت غرب مرحوم قوچانی وام گرفتم که در آنجاسمش هادی است و همه جا در عالم برزخ همراه آن فرد است. البته من سعی کردم یک تغییراتی در نام آن بدهم. آقای سرایانی که آن فضا را تجربه کرده‌اند تصدیق کردند که چنین مسئله‌ای وجود دارد و چراغ و راهنمای انسان‌ها در عالم برزخ اعمال نیک آنهاست که هر چقدر بیشتر و قوی‌تر باشد، این چراغ پر نورتر است.

**اگر موافق باشید به سراغ کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» برویم. من سابق بر این**



**صدای سیما در حال ترجمه و برگردان کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» به زبان عبری است و قرار است نسخه عبری آن در اختیار یهودیان قرار بگیرد و در سرزمین‌های اشغالی پخش شود**



**مهم‌ترین شاخصه و ویژگی کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» چیست؟**

ویژگی بارز این کتاب، استفاده مستند از اسناد تاریخی موقت برای فضاسازی و روایت داستانی است؛ به نحوی که اکثر اسامی و شخصیت‌های داستان با اسامی و مشخصات حقیقی خود وارد می‌شوند و بر مدار تخیل نویسنده، نقششان را ایفا می‌کنند. همچنین حاوی عملیات‌های پیچیده اطلاعاتی و مهیج است که با کشمکش‌های داستانی، مخاطب را در جریان جنایات رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد.

**محورهای پژوهشی و مطالعاتی شما برای نوشتن کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» چه منابعی بوده و چه مقدار زمان صرف کارهای پژوهشی کردید؟**

حدود یک سالی بود که جست‌وگریخته‌منابعی را مرتبط و غیرمربط با موضوع می‌دیدم ولی به صورت خاص پنج ماه زمان، صرف دیدن مستندات تصویری عم از فیلم اعتراضات جاسوس‌های موساد، نحوه ترورها، مطالعه تاریخ رژیم صهیونیستی، کتاب مقدس یهودیان، تلمود و بخشی از انجیل، آداب و رسوم عبادی، تربیت فرزند و… در خصوص یهود و رژیم صهیونیستی کردم. زمان‌هایی را که در این رابطه چاپ شده‌اند، مطالعه کردم. از «راوی» نوشته آقای مصطفی رضایی در زمینه آینده‌پژوهی که در کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» وجود دارد استفاده کردم. همچنین از مجموعه «خانه عنکبوت» نوشته صالح مُرسی و مصاحبه‌های چهره‌های ضدصهیونیستی در غرب و امریکا برای تألیف بهتر این رمان بهره بردم. حتی از کتاب «خاطرات سفیر» نوشته خاتم نیلوفر شادمهری برای نوشتن و تکمیل قصه کتابم وام و بهره گرفتم. در واقع بخشی از کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» مربوط به گفت‌وگوی چالشی بین ادیان است و جایی این گفت‌وگو بین اسلام و مسیحیت است و گاهی این مباحث‌ها بین اهل تسنن و تشیع است. این چلنج‌ها و چالش‌ها را از کتاب خاتم شادمهری با همان اسامی واقعی و البته اجازه خود ایشان وام گرفته و در کتاب از آنها استفاده کردم. منتها

من در کتاب خودم یک از تطابقی بین خاتم شادمهری و بنیامین وقتی که ایشان در دانشگاه فرانسه مشغول به تحصیل بودند طراحی کردم که موساد از طریق خاتم شادمهری یک جزوه هدایت و تدوین شده را در اختیار بنیامین می‌گذارد تا بتوانند به وسیله آن ذهن بنیامین را مدیریت و هدایت‌بکنند. برای کسب اطلاع از جزئیات سیاسی رژیم صهیونیستی هم به سایت‌های مختلف و متنوع داخلی و خارجی مراجعه کردم و به اطلاعاتی که قبلاً در خصوص موساد و رژیم صهیونیستی داشتم، افزودم. حتی جغرافیای اسرائیل را از روی نقشه انتخاب می‌کردم و اسامی که در فضاسازی‌ها استفاده کردم، کاملاً واقعی است. مراحل مختلف پژوهشی همانطور که قبلاً هم گفتم حدود پنج ماه طول کشید اما نوشتن خود کتاب چیزی در حدود سه تا چهار ماه طول کشید. این را هم عرض کنم که یک کتاب حدوداً ۶۰۰صفحه‌ای به اسم «تفسیر کتاب آسمانی یهود» وجود دارد که در آن بسیاری از آیین‌های تولد فرزند که به خوبی تمایزها و تفاوت‌های آیینی و دینی یهودیان در مورد نقشه‌ها و پسرها قابل احصاست کمک بسیار زیادی به من در مسیر نوشتن این اثر کرد.

**به غیر از باز نشر و ارائه چاپ جدید کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰» خبر تازه‌ای در مورد این کتاب دارید؟**

چند وقت پیش یکی از دوستان ما که در صدا و سیما کار می‌کند به من گفت که کتاب شما در حال ترجمه و برگردان به زبان عبری است و قرار است نسخه عبری آن در اختیار یهودیان قرار بگیرد و در سرزمین‌های اشغالی پخش شود. من پرسیدم که مخاطب چه کسانی هستند که دوستم گفت مردم ساکن در سرزمین‌های اشغالی خیلی مغرب‌تر دارند بدانند که ایرانی‌ها در مورد آنها چطور می‌فکر می‌کنند و نسبت به آنها چه دیدگاهی دارند. واقعیت این است که به دلیل پاکوت رسله‌ای و جو به شدت امنیتی که در سرزمین‌های اشغالی وجود دارد، اعتراضات ساکنان و ظلم و تبعیض‌هایی که نسبت به آنها اعمال می‌شود به بیرون درز نمی‌کند. مخاطب با مطالعه این کتاب که بر مبنای پژوهش و با استفاده از منابع و مآخذی مثل ویلاگ‌های مردم سرزمین‌های اشغالی و اظهارنظرها و افشاکرئی‌های آنها در شبکه‌های اجتماعی در قالب قصه و داستان روایت شده به خوبی متوجه می‌شود که رژیم‌اشغالگر اسرائیل حتی ابتدایی‌ترین و مورد سرسریه‌ترین نیروهای خودشن هم کم تنها محترم نمی‌شمارد بلکه آنها را زیر پا می‌گذارد و با تیغ سانسور می‌کند. مردم ساکن در سرزمین‌های اشغالی معتقدند که اسرائیل یک پادگان نظامی است که آنها محکوم به زندگی در آن هستند.

**تکمله شما برای این گفت‌وگو چیست؟**
مایلم هر کسی که این مصاحبه را مطالعه می‌کند به این قالب بسیار بسیار قوی انتقال و روایت مفاهیم اخلاقی و خیلی چیزهای دیگر(قصه‌گویی) دعوتش کنم. بزرگ‌ترین معجزه خداوند و موجود روی زمین قرآن است، قرآنی که کتاب است و اولین کلمه‌ای که به آخرین فرستادش می‌گوید «قرآ» هست. ضمن اینکه تقریباً یک سوم آیات قرآن به روایت قصه‌ها و اتفاقات اختصاص دارد که نه اساطیری هستند و نه تخیلی بلکه خداوند از آنها تا تعبیر عبرت آموزی یاد می‌کند. مثلاً سوره یوسف را خداوند «أحسن القصص» معرفی می‌کند اگر قالی‌باف بهتر و قوی‌تر از قصه‌گویی وجود داشت، حتماً خداوند آن را به عنوان آخرین معجزه‌اش برای هدایت بشر انتخاب می‌کرد.

محمد قنبری نویسنده کتاب «پرونده فوق سری ۲۰۴۰»